



پارادوکس در دیدار نتانیاهاو از آمریکا

صبح صادق بررسی می کند

حسین امیدی

تا به حال این چنین بوده که سران رژیم صهیونیستی برای سفر به آمریکا و دیدار با رئیس جمهور این کشور، دغدغه چندانی نداشته و فقط دستور کارهای خود را برای امتیازگیری بیشتر تنظیم می کردند و لایه های صهیونیستی مقدمات این سفرها را مهیا می کردند.

این بار نخست وزیر جدید، راستگرا و نژادپرست رژیم صهیونیستی که پیشاپیش سفر او را شکست خورده قلمداد و ارزیابی می کردند، با نگرانی به دیدار او با آمریکا می رود، چرا که دستور کار این دیدار به تعویق افتاده از سوی او با آمریکا، موضوعاتی است که با مزاج سیاسی و امنیتی صهیونیست ها سازگار نمی باشد و لذا برای مدیریت چنین سفری، تیم حکومتی نتانیاهاو به او توصیه کرده اند، به شکلی عمل نکند که در مقابل او با آمریکا قرار گیرد. بر همین اساس و در یک رویه قدیمی، نتانیاهاو با بزرگنمایی خطرات تهدیدات ایرانی نسبت به رژیم صهیونیستی و یا خطرات ناشی از شکل گیری دولت فلسطینی در دیدار با او با دست به مانور زده تا شاید بر تفصیلات دیدگاه



او غلبه نماید.

البته نتانیاهاو قبل از سفر به آمریکا، طی دیدار با مبارک در شرم الشیخ و عقبه با ملک عبدالله دوم سعی کرد بر این نکته تأکید کند که این رژیم و کشورهای عربی معتدل مواضع یکسانی نسبت به تهدید ایرانی دارند.

خوب است روشن کنیم که کشورهای معتدل عربی همان کشورهای هستند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی یک جنگ نیابتی از طریق صدام با ایران به راه انداخته و حمایت های مالی، تبلیغاتی و سیاسی از آن به عمل آورده اند و اکنون نیز طی نشست های لندن و دیدارهای پنهان به اسرائیلی ها تأکید می کنند که باید به تهدید ایران پایان داد. اگرچه سعی می کنند رژیم صهیونیستی را برای جنگ علیه ایران تشویق کنند و یا به حمایت مالی و سیاسی و تبلیغاتی از این رژیم متعهد شوند (همانطور که در جنگ ۳۳ روزه و ۲۲ روزه در کنار اسرائیل بودند) ولی آگاه هستند که این بار هزینه ماجراجویی های خود را یک جا و سنگین پرداخت می کنند. یعنی مسئله این کشورهای معتدل و در واقع سازشکار و مزدور این نیست که در طی ۸ سال حکومت بوش و خطاهای استراتژیک وی، موقعیت استراتژیک ایران ارتقا یافته،

بلکه آنها از ابتدای انقلاب اسلامی خود را در موضع دشمنی با ایران قرار داده اند.

نتانیاهاو با توشه حمایت این کشورها (مصر، اردن، عربستان) به دیدار او با آمریکا رفت و پیشاپیش از آمادگی این کشورها برای اینکه از جیب حقوق فلسطینی ها و آرزمان فلسطین و سرزمین مقدس خراج کنند، اطلاع یافته بود. البته ملک عبدالله دوم با ارافاتر از این نیز گذاشته و برای مشروعیت بخشیدن به رژیم غاصب صهیونیستی، از آمادگی ۵۷ کشور اسلامی هم برای عادی سازی مناسبات با آن سخن می گوید. او با آمریکا که از تنگنای شکست های بوش در رنج است به توصیه کمیته یکروهمیلتون و دیگر کمیته های دو حزبی عمل کرده و مذاکره بدون شرط با ایران و حضور فعال و با اولویت در بحران فلسطین را در دستور کار جدی خود قرار داده است. به نظر او و حتی کشورهای اروپایی، با تأکید و اصرار بر راه حل دو دولت (بدون ارتش، حذف حق بازگشت آوارگان و...) می توان به بحران مشروعیت اسرائیل پایان داد و به موازات این موفقیت و با تکیه بر کشورهای عربی

در دولت نیز ویژگی پارادوکسیکال دارد. حذف حق بازگشت آوارگان فلسطینی و استقرار و اسکان چهار میلیون آواره در کشورهای میزبان و یا آغاز تدریجی عادی سازی روابط کشورهای عربی سازشکار با رژیم صهیونیستی و ضرورت استمرار محاصره غزه و سرکوب مقاومت فلسطینی و تکیه بر حکومت اوبامان و سلام فیاض، از چالش های غیرقابل انکار در مسیر دیدگاه او با آمریکا است. گرچه او با آمریکا قرار است هفته آینده در مصر، با کشورهای اسلامی سخن گفته و طرح خود را بیان نماید و سقف چهار سال (پایان دوره ریاستی او) را برای دستیابی به طرح دو دولت عنوان کرده است ولی به خوبی می داند که رژیم صهیونیستی تمایلی به صلح و باز پس دهی حداقل های حقوق فلسطینی را ندارد و کشورهای عربی نیز قادر به حاتم بخشی از کیسه فلسطین و مشروعیت بخشی به رژیم صهیونیستی (در مقابل افکار عمومی عربی و اسلامی) نیستند و از همه مهمتر اینکه او با آمریکا نیز در ایده های خود، چندان «مبسوط الید» نیست و مخالفین دیدگاه او در آمریکا کم نیستند و نمی توانند پروژه استعماری تشکیل رژیم صهیونیستی را با یک اقدام جدی برای پرداختن به حقوق فلسطینی ها به خطر بیندازند.

حال آنکه ملت فلسطین، گروه های جهادی آن، افکار عمومی عربی و اسلامی و تمامی کشورها و مردم آزاده جهان چنین حق و اجازه ای برای تثبیت و تحکیم پایه های رژیم غاصب نخواهند داد. حال آنکه نتانیاهاو در روش تجربه شده ای که در سال ۱۹۹۶ در قبال کلپتون به اجرا گذاشت، بلافاصله پس از بازگشت از آمریکا، طرح دو دولت را بچه گانه و احمقانه دانسته و قلمس را پایتخت ابدی اسرائیل معرفی کرد و پیشاپیش برای کارشکنی، قوانین ساختگی و جدید و ابزارهای شانتاژ خود را آماده کرده است.

باید منتظر باشیم و ببینیم که چالش او با آمریکا نتانیاهاو ادامه می یابد و یا مانند گذشته طرح های سراب صلح به ناپدید گرفتن حقوق فلسطینی، سازش بیشتر کشورهای عربی و ایجاد زمان و فرصت کافی برای صهیونیست ها در تحکیم پایه های اشغال تکیه خواهد کرد.

اوباما و همکاریانش

۲۵ دلار نام خود را به راحتی در آمریکا تغییر دهد ولی اسم کامل خود را حفظ کرده است.

تحصیلات

اوباما نخست در ۱۹۸۳ لیسانس علوم سیاسی با گرایش روابط بین الملل از دانشگاه کلمبیا دریافت کرد. در سال ۱۹۸۸ پس از چند سال کار در شیکاگو با گرفتن کمک هزینه تحصیلی وارد دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد شد. در هاروارد سرعت پیشرفت او با آمریکا چنان شتاب یافت که در سال دوم تحصیل خود در هاروارد به ریاست ژورنال مشهور، نشریه قانون هاروارد انتخاب گردید. او اولین رئیس سیاهپوست این نشریه حقوقی بود. وی در دوران ریاست خود به این سازمان که توسط نیروهای متخاصم دانشجویی اصولگرا و لیبرال منصف

رئیس جمهور آمریکا (باراک اوباما)

باراک حسین اوباما ۴ اوت ۱۹۶۱ در شهر هنلولو در ایالت هاوایی متولد شد. او فرزند یک کنیایی سیاهپوست و یک زن سفیدپوست از اهالی ویجیتا ایالت کائزاس است. پس از مدتی این ازدواج منجر به جدایی شد. اگر چه پدر و پدرخوانده او هر دو مسلمان بودند. اما او یک مسیحی پروتستان بار آمده و در ۴ سالگی که در اندونزی زندگی می کرد، به جای شرکت در مدرسه «مکتب مذهبی مسلمانان» به مدارس کاتولیک و یا سکولار رفته است. او با هم اکنون نیز عضو کلیسای متحد می باشد.

«خانم اینگرید ماتسون» آمریکایی کانادایی الاصلی است که در دهه ششاد قرن گذشته به اسلام گرویده، اولین زن مسلمانی است که در کنار روحانیون مسیحی و یهودی در مراسم دعای دسته جمعی برای باراک اوباما رئیس جمهور جدید ایالات متحده آمریکا شرکت می کند او به تدریس علوم اسلامی در دانشکده هاتفورد در ایالت کنتاکی اشتغال دارد و دارای مدرک دکترای از دانشگاه شیکاگو در رشته «برابری اسلامی» است، وی اولین بانوی مسلمانی است که سرپرستی یک انجمن اسلامی در آمریکا شمالی را به عهده می گیرد.

فرصت های شغلی در کاخ سفید

خانم ماتسون به «العربی» گفت تیم اوباما چند هفته پیش با ارسال نامه ای به انجمن تحت سرپرستی وی خواهان معرفی شخصیت های مسلمان واجد شرایط برای اشتغال در کاخ سفید و دولت شده است. وی این اقدام را ابتکار عملی دانست که نشانگر تصمیم دولت جدید برای همکاری با مسلمانان است و به همه فرصت برابر برای اشتغال در مناصب حکومتی بر اساس تخصص مناسب داده خواهد شد. «وی در ادامه افزود: «دقایقی پیش از مراسم دعا با رئیس جمهور و معاون وی ملاقات کردم و به خاطر ذکر نام مسلمانان در سخنرانی اش از او تشکر کردم و از آن به عنوان پیامی برای مسلمانان آمریکا یاد کردم.»

خانم ماتسون درباره کلماتی که در دعا بکار برده است، گفت «در ایالات متحده آمریکا دین رسمی وجود ندارد، اما با توجه به این که رئیس مسیحی می باشد لذا دعا نیز مسیحی بود، اما میهمانان غیرمسیحی معمولاً برای ملت، رهبران، رئیس جمهور و معاونش دعا می کنند و خواستار گسترش عدالت در کشورمان می شوند.» وی ضمن اشاره به برداشت خود از شخصیت اوباما، وی را یک رئیس جمهور «متفاوت» معرفی کرد که راه حل های بسیاری را برای مشکلات در اختیار دارد و افزود: «ما باید به نوبه خود به او کمک کنیم.» وی تأکید کرد «اوباما به مسلمان تبار بودن خود افتخار می کند.» و در ادامه خاطرنشان کرد. «او می توانست با پرداخت

گشته بود، تعادل بخشید. اوباما بزودی دکترای حقوق خود را از دانشگاه هاروارد با کسب درجه «افتخار» دریافت نمود. پس از فارغ التحصیل شدن به شیکاگو بازگشت و کارش به عنوان وکیل حقوق مدنی را آغاز کرد و دانشکده حقوق دانشگاه شیکاگو بلافاصله او را به عنوان عضو هیئت علمی استخدام کرد. او با آمریکا در هیئت علمی دانشگاه شیکاگو از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۴ به تدریس دروس حقوق اساسی در این موسسه می پرداخت.

زندگی سیاسی

اوباما عضو حزب دمکرات و سناتور جوان ایالت ایلینوی در ۴ ژانویه ۲۰۰۵ وارد سنا شد. با وجود تازه وارد بودن در واشنگتن او گروهی از مشاوران خبره را که معمولاً سناتورهای تازه کار به آن توجهی نمی کنند به کار گرفت. او «پت روز»، کهپنه سر باز قدیمی در امور سیاست ملی را به عنوان رئیس ستاد خود انتخاب کرد. وی با کنار زدن هیلاری کلپتون تنها رقیب جدی خود در کنگره ملی حزب دموکرات به عنوان نامزد این حزب معرفی شد. او همچنین «کارن کورن بلو» اقتصاددان را به عنوان معاون سیاسی خود منصوب کرد. وی همچنین مسئولان اجرایی پیشین کلپتون، «آنتون لیک» و «سوزان رایس» را به عنوان مشاوران سیاست خارجی خودش برگزید. اوباما پنجمین آفریقایی آمریکا است که به سنا راه پیدا کرده و همچنین سومین آفریقایی آمریکایی است



کرد که سرمایه گذاران خارجی را به خروج سرمایه های خود از ایران تشویق می کند. به گفته سناتور اوباما دولت ایران از درآمدهای نفتی برای توسعه برنامه هسته ای خود و حمایت از گروه های تروریستی در خاورمیانه استفاده می کند و اعمال فشار بر شرکت ها برای قطع روابط مالی با ایران اثر تحریم ها را افزایش می دهد.

دیدگاه اوباما درباره اسرائیل

در آوریل ۲۰۰۸، در مناظره نود دقیقه ای بین هیلاری کلپتون و باراک اوباما که از شبکه تلویزیونی ای بی سی آمریکا پخش شد. اوباما در پاسخ به واکنش او به حمله ایران به اسرائیل گفت: آمریکا اقدام مناسب او به انجام خواهد داد.

وی در سخنرانی ای در تاریخ ۴ ژوئن ۲۰۰۸ میلادی که در کمیته روابط عمومی آمریکایی اسرائیلی (AIPAC) انجام گرفت، گفت که اگر به ریاست جمهوری برگزیده شود؛ «هر کاری را که از دستش برآید خواهد کرد تا ایران به سلاح اتمی دست نیابد.» وی همچنین ایران را «بزرگترین خطر برای اسرائیل و همچنین آرامش و ثبات در منطقه خاورمیانه خواند و این کشورها معتدل و در واقع سازشکار و مزدور این نیست که در طی ۸ سال حکومت بوش و خطاهای استراتژیک وی، موقعیت استراتژیک ایران ارتقا یافته،

دیدگاه سوم

مزایای بدون استحقاق

جلال اسکندری

مایکل مارتین، رئیس مجلس عوام پارلمان بریتانیا، گفته است در ارتباط با ماجرای سوءاستفاده مالی در مجلس از سمت خود استعفا خواهد داد. او که سی سال نماینده مردم شهر گلاسکو در پارلمان بوده است، گفت: برای حفظ



وحدت در مجلس عوام کنار می رود و چیز بیشتری برای گفتن در این خصوص ندارد. به گزارش بی بی سی چند نفر از نمایندگان عضو احزاب اصلی بدون اینکه شرایط دریافت مزایای شغلی خاصی را داشته باشند برای مدت ها از این مزایا برخوردار می شدند و مقامات مجلس نیز با این موارد اطلاعی نداشتند یا نسبت به آنها واکنش لازم را نشان نمی دادند. افشای سوءاستفاده در مجلس عوام به کناره گیری یا اخراج شماری از نمایندگان از عضویت احزاب، تصمیم تعدادی از آنها به باز پرداخت مبلغ دریافتی و همچنین اعلام تصمیم رهبران حزبی در مورد اقداماتی جهت جلوگیری از تکرار این نوع تخلفات در آینده منجر شده است. این خبر تمام قدرات را در غرغ نشان دهند و آن را از ارزش های لیبرالیسم و پیامدهای اجتماعی و اخلاقی می داند بر باد می دهد و معلوم می سازد باورهای که در عمق وجود افراد و براساس اعتقادات شکل نگرفته باشد همیشه در معرض تهدید و انحراف قرار دارد و برای فریب دادن افراد کاری به مقام و منصب کسی ندارد و از جایی سر درمی آورد که امکان تخلف در آن ساده تر و قابل دسترسی تر باشد. مانند سوءاستفاده تعدادی از نمایندگان مجلس عوام که از مزایای بدون استحقاق استفاده می کردند.

دیدگاه دوم

معمای تسلیحات طالبان

فرامرز کمالی

سلاح های برجای مانده در کنار اجساد نیروهای طالبان که در جنگ با ارتش پاکستان کشته شده اند، سلاح های آمریکایی هستند که اخیراً از سوی آمریکا به افغانستان تحویل داده شد. به اعتقاد برخی از کارشناسان نبود نظارت



دقیق در ارتش افغانستان و نیز نیاز مالی نظامیان افغانی سبب گشته تا آنها این سلاح ها را تحویل نیروهای طالبان دهند. به گفته مقامات ارتش آمریکا رذیایی این امر از ارتش افغانستان بسیار مشکل است و از این ناحیه چیزی به دست نخواهد آمد. با وجود این مسائل نمی توان به این گزارش ها اعتماد کرد و پذیرفت این سلاح ها توسط نیروهای افغانستان در اختیار طالبان قرار گرفته است. نظر دیگر که قابل اعتنا تر است و شواهدی نیز دال بر صحت آن وجود دارد این است که آمریکایی ها از طرق مختلف خودشان دسترسی طالبان به این سلاح ها را امکان پذیر می سازند. خبرنگار روزنامه اعتماد که یک ماه پیش در هرات بود به نقل از شاهدان عینی می گوید کامیون داران و رانندگان تریلی ها در جاده حلقوی در موارد بسیاری دیده اند که آمریکایی ها جاده را بسته اند و پلی کوپترهای آمریکایی آذوقه و مهمات پیاپی کرده اند و کامیون های طالبان آنها را بار کرده اند و به سمت کوه ها رفته اند. اینگونه اتفاق ها که بارها در افغانستان افتاده است این ظن را تقویت می کند که آمریکایی ها براساس طرحی به طالبان کمک تسلیحاتی می کنند. این رفتار نشان می دهد که آمریکایی ها خواهان ادامه حیات طالبان هستند زیرا در صورت وجود طالبان آمریکایی ها و نیروهای چند ملتی بهانه حضور در افغانستان را دارند و می توانند سال ها در آنجا بمانند. این امکان وجود دارد که این سلاح ها توسط طالبان افغانستان برای کمک در اختیار طالبان پاکستان گذاشته شده باشد یا آمریکایی ها مستقیماً این کار را کرده باشند.

دیدگاه اول

کردستان منطقه امن؟!

بیژن صبوری

منابع کرد عراقی اعلام کردند: احداث مکان های شونود، آموزش تروریست، تأمین بودجه از ناحیه فروش مشروبات الکلی و دامن زدن به مسائل قومی تنها نمونه ای از مداخله موساد و سیا در مرزهای



غربی است. پس از سخنان مقام معظم رهبری در جمع مردم سقز و افشاکری درباره دخالت گسترده آمریکا برای ایجاد ناامنی و حمایت از تروریست ها در کردستان ایران منابع کرد عراقی با تأیید سخنان مقام معظم رهبری اعلام کردند: آمریکا و رژیم صهیونیستی از بدو اشغال عراق درباره توطئه در کنار مرزهای غربی ایران و به ویژه کردستان ایران برنامه ریزی کردند. آنچه که از عملکرد آمریکا و رژیم صهیونیستی در شمال عراق مشاهده می شود این است که آمریکایی ها به دنبال ایجاد یک مثلث برای انجام مقاصد شوم خود در شمال عراق، جنوب ترکیه و کردستان ایران هستند و با هدف اینکه از این طریق به ایران فشار وارد کنند، سعی دارند کردستان ایران را در حالت نظامی و آماده باش نگه دارند. اگرچه تحریک کردهای ایران و جداسازی آنها از ایران تا حد زیادی با سفر مقام معظم رهبری به این منطقه شکست خورده اما مابقی مسائل که به آن سوی مرز باز می گردد همچنان باقی است که بخشی از آن در رایزنی با دولت عراق و رهبران کرد کردستان عراق و هوشیاری نیروهای امنیتی و اطلاعاتی قابل پیگیری است و بخش دیگر آن با وارد آوردن ضربات سنگین نظامی به گروه های تروریست مورد حمایت آمریکا و رژیم صهیونیستی حل شدنی است همانگونه که چندی پیش ضربات سنگینی را بر تروریست های آن سوی مرزها در کردستان عراق وارد کردند.